# خطبه اول

أعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌اللّه الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من أمرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا أَبِی الْقَاسِمِ المصطفی مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة اللّه فی الارضین.

## توصیه به تقوا

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم‌اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[1]](#footnote-1) **عباد اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه** **و ملازمة أمره و مجانبة نهیه** **و** **تَجَهَّزُوا عباد اللَّهُ فَقَدْ نُودِیَ فِیکُمْ بِالرَّحِیلِ[[2]](#footnote-2) وَ** **تَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوَی**[[3]](#footnote-3)

همه شما برادران و خواهران نمازگزار و گرامی و خودم را در این روز شریف به پارسایی و پرهیزگاری و فرمان‌بری از فرمان خداوند را در همه حالات سفارش و دعوت می‌کنم. امیدواریم خداوند همه ما را به کسب تقوا در همه شئون و ساحت‌های زندگی موفق بفرماید.

## تجلّی اصول و ضوابط خانوادگی در زندگی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)

بحث ما در رابطه با اصول و ضوابطی بود که باید در میان همسران رعایت شود. تاکنون به 18 قاعده و قانون درباره روابط میان همسران اشاره کردیم. به استناد آیات، روایات و منابع دینی ملاحظه کردیم اسلام عزیز در چه سطح وسیع و با چه عمق و دقتی درباره روابط میان همسران سخن دارد.

امروز چون در ایام فاطمیه قرار داریم قبل از آنکه به اصل نوزدهم بپردازیم توقفی خواهیم داشت و تجلی این اصول و قوانین خانوادگی را در زندگی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) موردبررسی و گفتگو قرار می‌دهیم. لذا نگاهی به زندگی فاطمه زهرا س خواهیم داشت ولی از این منظر که حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) علاوه بر آن نقش اجتماعی، سیاسی، معرفتی و فکری که در جامعه داشت نقش خانوادگی خود را به بهترین شیوه ایفا کرد و الگویی برای همیشه و همه تاریخ پدید آورد. حقیقتاً رابطه فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) با پیشوای پارسایان و امیر مؤمنان (علیه‌السلام) بهترین الگو و جلوه‌گاه همان اصولی است که تاکنون درباره آن‌ها بحث کرده‌ایم. در اینجا مواردی از زندگی فاطمه زهرا را فهرست‌وار تقدیم محضر شما می‌کنم:

### بهترین کمک‌کار در مسیر اطاعت خداوند

وقتی‌که‌ روزهایی از زندگانی حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) و حضرت علی (علیه‌السلام) گذشته بود پیامبر خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلّم) دختر و داماد خویش را فراخواندند. طبق این نقل از امیرالمؤمنین سؤالی کردند که خانم خود را چگونه یافتی؟ جواب امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) که جمله‌ای تاریخی و حکایت‌گر بسیار مهم نقش خانوادگی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) است این می‌باشد که ایشان فرمودند: «نعم العون علی طاعة الله» این دختر گرامی شما بهترین یار در مسیر اطاعت خداست. وقتی هم که پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) از فاطمه کبری (سلام‌الله‌علیها) سئوال کردند که شوهر خود را چگونه یافتی؟ خطاب به پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلّم) عرض کرد: «خیر بعل».[[4]](#footnote-4)

این نمونه، نشانگر عمق روابط صمیمانه فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) و حضرت علی (علیه‌السلام) می‌باشد. حضرت می‌فرماید: من همسری می‌خواستم که در طاعت الهی یار من باشد فاطمه یار و دلدار من در راه اطاعت خداست. این نمونه نشانگر چند مورد از اصولی است که در خطبه‌های قبل بحث کردیم:

1. نگاه آسمانی و آرمانی به خانواده. خانواده‌ای که در مسیر طاعت الهی حرکت کند؛

2. همکاری در مسیر طاعت الهی. همسران باید یار و همکار یکدیگر در مسیر طاعت خداوند باشند؛

3. نگاه مثبت همسران به یکدیگر؛

4. تمجید و تجلیل از هم در برابر دیگران و احترام متقابل

این‌یک نمونه، نشان‌دهنده عمق تجلی این اصول اخلاقی در روابط این دو ولی خدا و چهره بزرگ الهی است.

### صبر و بردباری

امیرالمؤمنین در فراز دیگری در روابط بین خود و حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) چنین داوری می‌کند: «فوالله - ما اغضبتها و لا اکرهتها علی امر حتی قبضها الله عزوجل الیه و لا اغضبتنی و لا عصت لی امراً»[[5]](#footnote-5) به خدا قسم علی بعد از شهادت حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) این‌چنین گواهی می‌دهد که هیچ‌گاه من فاطمه را خشمگین نکردم، هیچ‌گاه او را بر کاری مجبور نکردم و به خدا قسم فاطمه هم با من همین‌طور بود هیچ‌گاه مرا خشمگین نکرد، همیشه با من مهربان بود و فرمانی از من را عصیان نکرد و در ادامه می‌فرماید: «و لقد کنت انظر الیها فتنکشف عنی الهموم و الأخزان»[[6]](#footnote-6) جمله بسیار عجیبی است به خدا قسم من به فاطمه نگاه می‌کردم و غم‌ها و اندوه‌های عالم از من رخت برمی‌بست. نگاه به همسری که حقوق الهی را رعایت می‌کند این‌طور مرد را آرام می‌کند و روابط صمیمی بر خانواده حاکم می‌شود. علی مرد میدان‌ها بود، مرد غم‌های بزرگ عالم بود، همواره در طوفان غم و حزن زندگی می‌کرد، ولی می‌فرماید: وقتی نگاه به فاطمه می‌کردم آرام می‌شدم. این جمله نشان‌دهنده صبوری و بردباری فاطمه در برابر سختی‌هایی بود که همسر با آن‌ها مواجه بود. نشان‌دهنده این است که همسران نباید بدون جهت همدیگر را خشمگین کنند، بلکه باید غم را از دل یکدیگر بزدایند و مایه آرامش و صفای خانواده شوند.

### صداقت، فرمان‌برداری و امانت‌داری

فاطمه (سلام‌الله‌علیها) این‌چنین در وصیت خود[[7]](#footnote-7) فرمودند: «يَا ابْنَ عَمِّ مَا عَهِدْتَنِي كَاذِبَةً وَ لَا خَائِنَةً وَ لَا خَالَفْتُكَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي» پسرعمو می‌دانی که من در طول این زندگی هیچ‌گاه به تو دروغ نگفتم، به تو خیانت نکردم و همیشه فرمان تو را گردن نهادم. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) پاسخ دادند: «مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبَرُّ وَ أَتْقَى وَ أَكْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفاً مِنَ اللَّهِ» هرگز من چنین گمانی را نمی‌برم، تو زنی صادق، پاک، همراه و یار من بودی، تو زن پارسایی بودی و همه آنچه را گفتی بنده به صداقت آن شهادت می‌دهم.

این جمله هم نشان‌دهنده صداقت و امانت‌داری، فرمان‌برداری صادقانه و همراهی فاطمه (سلام‌الله‌علیها) با امیر مؤمنان (علیه‌السلام) بود. این نکته را متفطن هستید که فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) در قبال علی (علیه‌السلام) در درجه اعلی مهربان و تکیه‌گاه بزرگ بود. هم به لحاظ حقوق همسری و هم فراتر از آن چراکه فاطمه (سلام‌الله‌علیها) خود را سرباز ولایت و امین ولایت می‌دانست. در این نقش‌های فاطمه (سلام‌الله‌علیها) هم حق همسری و هم حق ولایت و امامت متجلی است.

### ابراز محبت و وفاداری

فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) در جمله‌ای دیگر فرمودند: «روحی لروحک الفداء و نفسی لنفسک الوقاء یا أبا الحسن ان کنت فی خیر کنت معک و ان کنت فی شر کنت معک»[[8]](#footnote-8) این ابراز وفاداری تا جایی است که می‌فرماید: روح من فدای تو باشد و من به‌عنوان یک همسر و به‌عنوان یک مدافع امامت و ولایت سپر تو هستم. علی جان اگر تو در آسایش باشی من در کنار تو هستم و اگر در سختی‌ها قرار گرفته باشی، فاطمه (سلام‌الله‌علیها) پایدار در برابر سختی‌ها و همراه با تو خواهد بود. ابراز محبت و وفاداری در این سخن نورانی موج می‌زند. باید از این روابط صمیمانه‌ای که به ما آموخته‌اند درس بگیریم.

### مهار توقع و عدم تحمیل

فاطمه (سلام‌الله‌علیها) در سخنی دیگر فرمودند: «يا أباالحَسَنِ! إنّي لأَستَحيي مِن إلهي أن اُكَلِّفَ نَفسَكَ مالاتَقدِرُ عَلَيهِ»[[9]](#footnote-9) پسرعمو و همسر گرامی من از خدا خجالت می‌کشم که از تو چیزی بخواهم که تو توان بجا آوردن آن را نداشته باشید. این‌جور رعایت توان همسر مهم است. از او توقعات بیجایی که او را به‌زحمت بیندازد نمی‌کند و توقع خود را کنترل کرده است. صبر و بردباری در اداره درست خانه را اساس زندگی قرار داده است و تعاون در خانه و همکاری فاطمه و امیر مؤمنان جلوه دیگری از رعایت حقوق خانوادگی در این زندگی نورانی است.

### ایثار و ازجان‌گذشتگی

روزی حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: آیا غذایی وجود دارد که بیاوری؟ فاطمه (سلام‌الله‌علیها) فرمود: «والذی عظم حقک ما کان عندنا منذ ثلاث الا شیء اثرتک به»[[10]](#footnote-10) به خدا قسم سه روزی بود که چیزی در خانه نداشتیم که استفاده کنیم. غذای کمی هم که به شما دادم از خودم ایثار کردم این خانه فاطمه جلوه‌گاه وفاداری و ایثار و جلوه‌گاه عدم تحمیل به همسر و همراهی با او در آرمان‌های بزرگ الهی است.

اگر پرسیده شود این اصولی که تابه‌حال بیان‌شده است کجا محقق شده است؟

می‌گوییم: در اوج آن اصول در خانه فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) تحقق پیداکرده است.

این حقوقی است که فاطمه آن را رعایت می‌کرد.

### وفاداری تا پای جان بر سر امامت و ولایت

اما مهم‌ترین ویژگی فاطمه (سلام‌الله‌علیها) آن بود که پای ولایت و امامت علی (علیه‌السلام) تا پای جان ایستاد و وفادارانه به این عهد الهی عمل کرد تا آنجا که جان خویش را برای دفاع از امامت و ولایت داد. السلام علیک ایتها الصدیقه الطاهره فاطمه الزهرا شاید هنوز هم روضه خوانی و عزاداری برای فاطمه زهرا به زیبایی آن خطبه 202 از امیرالمؤمنین نباشد در پایان، چند فقره از آن خطبه[[11]](#footnote-11) را عرض می‌کنم:

وقتی‌که فاطمه را در قبر نهاد و دفن کرد خطاب به پیامبر فرمود: درود خدا بر تو ای پیامبر از طرف من و از طرف دخترت، دختری که زود به تو ملحق شد. اجازه ندادند که بعد از تو در این عالم بماند. به خدا قسم ای پیامبر خدا صبر من در فراق فاطمه تمام شد. مستحضرید بعد از دفن دارد این جملات را می‌فرماید. می‌گوید: صبر من تمام شد، فراق فاطمه مرا از پا درآورد. بعد می‌فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ فَلَقَدِ اُسْتُرْجِعَتِ اَلْوَدِيعَةُ وَ أُخِذَتِ اَلرَّهِينَةُ أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ» پیامبر خدا آن امانت را به تو بازگرداندم، شب‌های من همه به بیداری خواهد گذشت، غم من تا آخر باقی خواهد ماند. اما بعد جمله‌ای می‌فرماید: «فَأَحْفِهَا اَلسُّؤَالَ وَ اِسْتَخْبِرْهَا اَلْحَالَ هَذَا» این امانتی که برگشت با پهلوی شکسته آمد، با محسن سقط کرده بازگشت، ولی او دردهای خود را به تو نخواهد گفت، ای پیامبر از او زیاد سؤال کن، فاطمه به‌سادگی نخواهد گفت آن لحظه‌ای که بین در و دیوار ...

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ[[12]](#footnote-12)

اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة اللهم اغفر المؤمنین و المومنات والمسلمین والمسلمات

**بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ[[13]](#footnote-13)**

# خطبه دوم

اعوذبالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم. بسم‌اللّه الرحمن الرحیم. الحمداللّه الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا عن هدانا الله **ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسَیُّما مولانا علی بن ابیطالب و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیّدی شباب اهل الجنة اللهم صلّ و سلّم و زد و بارک علی أئمة المسلمین علیّ بن الحسین و محمد بن علیّ و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علیّ بن موسی و محمد بن علیّ و علیّ بن محمد و الحسن بن علیّ و الخلف القائم المنتظر حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و أمناء الرحمن و سلالة النبین.**

## توصیه به تقوا

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ وَکونُواْ مَعَ الصَّادِقِینَ»[[14]](#footnote-14) **عباد اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه و ملازمة أمره و مجانبة نهیه**

بار دیگر شما و خودم را به پارسایی و پرهیزگاری سفارش می‌کنم. در نهج‌البلاغه و کلمات پیشوایان، بارها و بارها ما را به تقوای الهی و پرهیزگاری فراخوانده‌اند. در خطبه 190 فرازهایی از آن در توصیه به تقوا تاکنون ملاحظه گردید تا آنجا که می‌فرماید: آینده را در نگاه خود تجسم ببخش، ببین که به‌زودی به منزلگاهی خواهی رسید که همه نوهای عالم آنجا کهنه است، همه شادی‌های عالم در آنجا به پایان رسیده است. بدان که در برابر و رویاروی تو، آن موعد سخت و تنگ قبر قرار دارد که همه باید وارد آن منزلگاه شوند و هم در پس آن قیامت و فرای آن بهشت و جنهم قرار دارد. جهنمی که شعله‌های آن برافروخته است، جهنمی که صدای آن انسان‌ها را کر می‌کند، صدای نهیب جهنم، آتش برافروخته جهنم و شعله‌های بزرگ آن را همیشه پیش روی خود مجسم کن. اگر بخواهیم در این عالم به‌مراتب بالای تقوا نائل شویم یکی از راه‌های آن این است که آینده را همیشه متذکر باشیم که امیر مؤمنان به یادآوری آینده تذکر می‌دهد.[[15]](#footnote-15)

## مناسبت‌ها

مناسبت‌هایی را به‌اختصار عرض می‌کنم:

### تسلیت شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)

شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) را تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

### بزرگداشت سالگرد آیت‌الله فاضل لنکرانی

یاد و خاطره همه بزرگان و مراجع درگذشته به‌ویژه مرحوم آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی را که سالگرد این مرجع عالی‌قدر است و همین‌طور شهدای انقلاب و دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم را گرامی می‌داریم و تقدیم می‌کنیم به ساحت همه آن بزرگواران و امام شهدا صلواتی بر محمد و آل محمد.

### بزرگداشت روز امور تربیت و تربیت اسلامی

روز امور تعلیم و تربیت اسلامی را گرامی می‌داریم و لازم است یادآوری شود که:

#### **الف. لزوم اهمیت‌دهی به مسائل تربیتی و معنوی به‌ویژه در آموزش‌وپرورش**

مقوله تربیت در حوزه و دانشگاه و به‌ویژه در آموزش‌وپرورش و در همه محیط‌ها باید مقوله نخست ما باشد. مقوله اعتلا و ارتقای اخلاقی، معنوی، فکری، اجتماعی و سیاسی دانش آموزان باید اولویت اول در همه فضاهای علمی و آموزشی به‌ویژه در آموزش‌وپرورش باشد. البته در سند آموزش‌وپرورش به مسائل اخلاقی و تربیتی توجهات خوبی شده است که درخور تقدیر و تشکر است، اما حقیقتاً باید گفت جایگاه تربیت به معنای دقیق و جامع آن در آموزش‌وپرورش نیاز به یک‌همت بلندتر، حمایت بیشتر و یک دیدگاه عمیق علمی، دینی و ایمانی دارد.

#### **ب. لزوم اختصاص بودجه برای امور تربیتی**

میزان سرمایه‌گذاری که در حوزه مسائل خاص اخلاقی و تربیتی می‌شود کافی نیست. در این زمینه باید اقدامات جدی‌تر انجام شود.

#### **ج. لزوم اهتمام بیش‌ازپیش به سند آموزش‌وپرورش**

سند آموزش‌وپرورش باید موردتوجه قرار بگیرد و امکانات لازم در حوزه مسائل اخلاقی و تربیتی باید تأمین شود. مجال ورود در این بحث نیست، اما این مقوله نیازمند یک اهتمام بزرگ‌تری است. نهاد آموزش‌وپرورش نهاد بسیار مهمی است.

اخیراً در سند یونسکو 2030 اشکالات و اعتراضاتی بر اساس یکی از توافقات که انجام‌شده است ایراد کرده‌اند که در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد و جناب آقای وزیر در آنجا پاسخ‌هایی دادند. اما قرار شد مسأله به‌طور جدی‌تر موردتوجه قرار بگیرد. آنچه ملاک حرکت آموزش‌وپرورش ماست همان سند آموزش‌وپرورش است و هر چیزی که بیگانگان از ما بخواهند طبعاً نمی‌تواند موردتوجه باشد. ما باید در چارچوب ضوابط و قواعدی حرکت کنیم که در سند آموزش‌وپرورش طراحی شده است. درهرصورت مسأله تعلیم و تربیت باید در صدر مسائل باشد.

### تأکید بر لزوم بهبود نظام معیشتی مردم

موضوع دیگر که باید به آن اشاره شود مسائل مربوط به معیشت و زندگی مردم است که مقام معظم رهبری نیز تأکید کرده‌اند. خدماتی که قوای سه‌گانه برای ارتقای معیشت و حل مشکلات مردم انجام می‌دهند همه درخور تقدیر و تشکر است اما کافی نیست. مقوله اقتصاد مقاومتی، مبارزه با فساد، مهار و کنترل فسادهای اقتصادی، حقوق‌های نجومی که بایستی به‌درستی دنبال شود. این‌ها چیزهایی است که باید در سطح کشور و در پایان سال اقدام و عمل جمع‌بندی شود. تشکر می‌کنیم از مسئولان محترم استان و برنامه‌ای هم که در مصلا اجرا می‌شود و در هر هفته یکی از مدیران می‌آیند برنامه بسیار خوبی است که جای تقدیر و سپاس دارد. اما در کنار همه این‌ها باید بدانیم مشکلات و سختی‌هایی در زندگی مردم وجود دارد که عزم جزم‌تر و استوارتری می‌طلبد. میزان اقداماتی که انجام می‌شود کافی نیست باید همت بلندتری به خرج داد.

برای حل مشکلاتی که عزیزانمان در استان خوزستان با آن مواجه شدند، مشکلاتی که جوانان ما در مسائل خانواده با آن روبرو هستند نیاز به همت‌های والاتری می‌طلبد. تقاضا و تأکید این است که مسئولان ما واقعاً با یک برنامه جدی‌تری وارد اقدام و عمل شوند.

### تکریم ششمین کنفرانس حمایت از انتفاضه

موضوع مهم دیگر، ششمین کنفرانسی بود که در حمایت از انتفاضه در تهران برگزار شد. حضور مهمانان از 80 کشور و سخنرانی بسیار جامع مقام معظم رهبری و بیانیه پایانی کنفرانس، سرلوحه راه مقاومت در عرصه فلسطین و منطقه باید باشد. از برگزارکنندگان کنفرانس تشکر می‌کنیم و به مهمانانی که در این کنفرانس شرکت کردند خیرمقدم عرض می‌کنیم. نکاتی که مقام معظم رهبری و بیانیه پایانی بر آن تأکید داشتند نکات بسیار مهمی است. ما هم به‌عنوان نمازگزاران جمعه و به نام قم و حوزه از بیانیه و سخنان بلند رهبری اعلام حمایت می‌کنیم و همه عالم اسلام باید بدانند راه نجات امت، راه غلبه بر صهیونیست‌ها و راه غلبه بر دشمنان غدار امت اسلامی وحدت صفوف، ایستادگی در برابر دشمنان و تأکید بر مقاومت است که رهبری هم بر آن تأکید کردند.

فلسطینی‌ها و امت اسلامی بدانند که راه پیروزی از سازش و گفتگوهای حقیرانه و ذلیلانه در برابر دشمن نمی‌گذرد. تنها راه پیروزی راه شجاعت، ایستادگی، وحدت صفوف و مقابله با دشمنان اسلام با تمام قدرت است که رهبری هم به آن اشاره کردند.

چند جمله‌ای هم به عربی عرض می‌کنم:

ایتها الاخوة و الاخوات و السادة والسیدات اوصیکم و نفسی بتقوی الله و رعایة امره و نهیه فی جمیع مجالات الحیاة و ساحاتها و بعد

قد شاهدنا فی الاسبوع المنصرم عقد المؤتمر الدولی السادس لدعم القضیة الفلسطینیة و الانتفاضة الثالثة فی طهران و هذا المؤتمر کان متمیزاً بخصائص:

منها مشارکة عدد کبیر من النخب و المثقفین و المجاهدین و العلماء و شخصیات کبار من ثمانین دولة و ایضا مشارکة التیّارات المختلفة من فلسطین و المقاومة.

و هکذا عقد المؤتمر فی هذة الظروف العصیبة التی تمرّ علی العالم الاسلامی. هذا المؤتمر کان مؤتمراً هاماً قد ابدی الضیوف الکرام و المشارکون عن آرائهم حول الاعتدائات الصهیونیة و ضرورة استمرار دعم الانتفاضة و ضرورة عدم انساء قضیة فلسطین و فی قمّة برامج المؤتمر المحاضرة التی القاها الامام الخامنئی و اکد سماحته فی کلمة الرشیدة و الرائعة علی محاور مهمة و مبادئ رئیسیة و اشار الی ضرورة الترکیز علی القضیة الفلسطینیة و عدم انساء هذة القضیة المهمة الاستراتجیة و اعتبار قضیة فلسطین هی الاولویة الاولی و القصوی لجمیع الامة و الدول و الشعوب و اصرّ الامام علی ضرورة وحدة الشعوب و الدول فی العالم الاسلامی و العربی و الابتعاد عن النزاعات و الحروب الطائفیة و الداخلیة و اکد سماحته ایضا علی ان الخیار الوحید لحلّ قضیة فلسطین هو خیار المقاومة و الصمود

و اشیر فی البیان الختامی للمؤتمر الی نقاط مهمة و استراتجیة

و نحن فی هذا الحشد العظیم و قم المقدسة و باسم الحوزة العلمیة نعلن عن تایید التام للبیان الختامی و لبیان سیدنا القائد و ندعو الشعوب و الدول الی التوحد حول هذة القضیة. و نسئل الله تعالی تحریر ارض فلسطین من أرجاس الصهیونیة

اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و الکفار و المنافقین. اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین اللهم اغفر المؤمنین و المومنات والمسلمین والمسلمات،

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان و معرفت خودت روشن بفرما، باران رحمتت را بر ما نازل بفرما، شر دشمنان را به خودشان بازبگردان، گام‌های ما را در راه اسلام و انقلاب اسلامی استوار بدار، اموات و درگذشتگان ما، درگذشتگان از این جمع، شهدای عالی‌مقام، امام شهدا، مراجع درگذشته و همه بزرگانی که به لقای الهی رفته‌اند را مورد لطف و عنایت بیکران خودت قرار بده، ما را قدردان شهیدان و استمراربخش راه پرافتخار آنان قرار بده، سلام و درود ما را به محضر پیامبر اکرم (ص)، فاطمه زهرا (س)، ائمه اطهار (ع)، فاطمه معصومه (س) و به‌ویژه محضر حضرت ولیعصر ارواحنا فداه ابلاغ بفرما، خدمت گزاران اسلام، مقام معظم رهبری و مراجع عظام را موید و منصور بدار.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَينَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ[[16]](#footnote-16)**

صدق الله العلی العظیم

1. ـ آل عمران، ایه 102 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه 204. [↑](#footnote-ref-2)
3. ـ سوره بقره: آیه 197 [↑](#footnote-ref-3)
4. ـ «کیف وجدت اهلک؟ قال: نعم العون علی طاعه الله وسال فاطمه، فقالت: خیر بعل» علامه مجلسی، بحار ج 43 ص 117. قاضی نورالله حسینی، احقاق الحق (طهران، مکتبه الاسلامیه)، ج‏۱۰، ص‏۴۰۱; و ر. ک: صفوری شافعی، نزهه المجالس، ج‏۲، ص‏۲۲۶. [↑](#footnote-ref-4)
5. ـ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة ج، ص 363 [↑](#footnote-ref-5)
6. ـ همان [↑](#footnote-ref-6)
7. ـ فَقَالَتْ يَا ابْنَ عَمِّ إِنَّهُ قَدْ نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسِي وَ إِنَّنِي لَأَرَى مَا بِي لَا أَشُكُّ إِلَّا أَنَّنِي لَاحِقَةٌ بِأَبِي سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ وَ أَنَا أُوصِيكَ بِأَشْيَاءَ فِي قَلْبِي قَالَ لَهَا عَلِيٌّ أَوْصِينِي بِمَا أَحْبَبْتِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهَا وَ أَخْرَجَ مَنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ ثُمَّ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمِّ مَا عَهِدْتَنِي كَاذِبَةً وَ لَا خَائِنَةً وَ لَا خَالَفْتُكَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي فَقَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبَرُّ وَ أَتْقَى وَ أَكْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفاً مِنَ اللَّهِ أَنْ أُوَبِّخَكِ غَداً بِمُخَالَفَتِي فَقَدْ عَزَّ عَلَيَّ بِمُفَارَقَتِكِ وَ بِفَقْدِكِ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ اللَّهُ جَدَّدَ عَلَيَّ مُصِيبَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَ قَدْ عَظُمَتْ وَفَاتُكَ وَ فَقْدُكَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَ آلَمَهَا وَ أَمَضَّهَا وَ أَحْزَنَهَا هَذِهِ وَ اللَّهِ مُصِيبَةٌ لَا عَزَاءَ عَنْهَا وَ رَزِيَّةٌ لَا خَلَفَ لَهَا ثُمَّ بَكَيَا جَمِيعاً سَاعَةً وَ أَخَذَ عَلِيٌّ رَأْسَهَا وَ ضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ أَوْصِينِي بِمَا شِئْتِ فَإِنَّكِ تَجِدِينِي وَفِيّاً أُمْضِي كُلَّ مَا أَمَرْتِنِي بِهِ وَ أَخْتَارُ أَمْرَكِ عَلَى أَمْرِي ثُمَّ قَالَتْ جَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ يَا ابْنَ عَمِّ …. أُوصِيكَ يَا ابْنَ عَمِّ أَنْ تَتَّخِذَ لِي نَعْشاً فَقَدْ رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ صَوَّرُوا صُورَتَهُ فَقَالَ لَهَا صِفِيهِ إِلَيَّ فَوَصَفَتْهُ فَاتَّخَذَهُ لَهَا فَأَوَّلُ نَعْشٍ عُمِلَ فِي وَجْهِ الْأَرْضِ ذَلِكَ وَ مَا رَأَى أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا عَمِلَ أَحَدٌ ثُمَّ قَالَتْ أُوصِيكَ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جِنَازَتِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ظَلَمُونِي وَ أَخَذُوا حَقِّي فَإِنَّهُمْ أَعْدَائِي وَ أَعْدَاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ لَا مِنْ أَتْبَاعِهِمْ وَ ادْفِنِّي فِي اللَّيْلِ إِذَا هَدَأَتِ الْعُيُونُ وَ نَامَتِ الْأَبْصَارُ ثُمَّ تُوُفِّيَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا. (ابن فتّال نیشابوری، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، ج‏1، ص 150-151.) [↑](#footnote-ref-7)
8. ـ محمد دشتی، نهج الحیاة، ص 147، ح 75؛ محمدمهدی مازندرانی‌حائری، الکوکب الدری، ج 1، ص 196. [↑](#footnote-ref-8)
9. ـ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 43، ص 59 [↑](#footnote-ref-9)
10. ـ همان، ج 14، ص 197؛ قاضی نور الله شوشتری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج 10، ص 314؛ ابن اثیر، البدایه و النهایه، ج 6، ص 111. [↑](#footnote-ref-10)
11. ـ وَ مِنْ كَلاَمٍ لَهُ ع رُوِيَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَهُ عِنْدَ دَفْنِ سَيِّدَةِ اَلنِّسَاءِ فَاطِمَةَ ع كَالْمُنَاجِي بِهِ رَسُولَ اَللَّهِ ص عِنْدَ قَبْرِهِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اَللَّهِ عَنِّي وَ عَنِ اِبْنَتِكَ اَلنَّازِلَةِ فِي جِوَارِكَ وَ اَلسَّرِيعَةِ اَللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اَللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ رَقَّ عَنْهَا تَجَلُّدِي إِلاَّ أَنَّ فِي اَلتَّأَسِّي لِي بِعَظِيمِ فُرْقَتِكَ وَ فَادِحِ مُصِيبَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ فَلَقَدْ وَسَّدْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ وَ فَاضَتْ بَيْنَ نَحْرِي وَ صَدْرِي نَفْسُكَ فَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ فَلَقَدِ اُسْتُرْجِعَتِ اَلْوَدِيعَةُ وَ أُخِذَتِ اَلرَّهِينَةُ أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ إِلَى أَنْ يَخْتَارَ اَللَّهُ لِي دَارَكَ اَلَّتِي أَنْتَ بِهَا مُقِيمٌ وَ سَتُنَبِّئُكَ اِبْنَتُكَ بِتَضَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَحْفِهَا اَلسُّؤَالَ وَ اِسْتَخْبِرْهَا اَلْحَالَ هَذَا وَ لَمْ يَطُلِ اَلْعَهْدُ وَ لَمْ يَخْلُ مِنْكَ اَلذِّكْرُ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكُمَا سَلاَمَ مُوَدِّعٍ لاَ قَالٍ وَ لاَ سَئِمٍ فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلاَ عَنْ مَلاَلَةٍ وَ إِنْ أُقِمْ فَلاَ عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اَللَّهُ اَلصَّابِرِينَ. تر جمه: هنگام به خاك سپردن سيّده زنان، فاطمه عليها السلام درود بر تو اى فرستاده خدا از من و دخترت كه در كنارت آرميده، و زودتر از ديگران به تو رسيده. اى فرستاده خدا مرگ دختر گرامى‏ات عنان شكيبايى از كفم گسلانده، و توان خويشتندارى‏ام نمانده. اما براى من كه سختى جدايى تو را ديده و سنگينى مصيبتت را كشيده‏ام جاى تعزيت است نه هنگام تسليت. تو را بر بالين ساختم در آنجا كه شكاف قبر تو بود، و جان گرامى‏ات ميان سينه و گردنم از تن مفارقت نمود. «همه ما از خداييم و به خدا باز مى‏گرديم.» امانت باز گرديد، و گروگان به صاحبش رسيد. كار هميشگى‏ام اندوه است و تيمارخوارى، و شبهايم شب زنده‏دارى. تا آنكه خدا خانه‏اى را كه تو در آن به سر مى‏برى برايم گزيند و اين غم كه در دل دارم فرو نشيند. زودا دخترت تو را خبر دهد كه چسان امتت فراهم گرديدند، و بر او ستم ورزيدند. از او بپرس چنانكه شايد و خبر گير از آنچه بايد، كه ديرى نگذشته و ياد تو فراموش نگشته. درود بر شما، درود آن كه بدرود گويد نه كه رنجيده است و راه دورى جويد. اگر باز گردم نه از خسته جانى است، و اگر بمانم نه از بدگمانى است بلكه اميدوارم بدانچه خدا شكيبايان را وعده داده و پاداشى كه براى آنان نهاده.( سید رضی، نهج البلاغه، خطبه 202) [↑](#footnote-ref-11)
12. ـ سوره شعراء، آیه 227 [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره اخلاص [↑](#footnote-ref-13)
14. ـ سوره توبه، آیه 119 [↑](#footnote-ref-14)
15. ـ سید رضی، نهج البلاغه (تصحیح صبحی صالح)، خطبه 190، ص 376 [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره کوثر [↑](#footnote-ref-16)